

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام
ساحب امتیاز روزنامه هفتگی
و یومیه (جبل المتین)
(عنوان مراسلات)
طهران خیابان لاله زار
فاب مدیر میرزا سید حسن کاشانی
غیر از روزهای جمعه همه روزه
طبع و توزیع میشود

یومیه

جبل المتین

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالیانه

طهران ۴۰ قران
سایر بلاد داخله ۴۵ قران
روسیه و قفقاز ۱۰ منات
سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک
(قیمت يك نسخه)
در طهران يكصد دینار
سایر بلاد ایران سه شاهی است

قیمت اعلان سطر
دو قران است

روزنامه یومیه ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه
با امضا قبول و در انتشار اداره آزاد است

دوشنبه ۷ ربیع الثانی ۱۳۲۵ هجری قمری و ۳۰ اردی بهشت ماه جلالی ۸۲۹ و ۲۰ مه ۱۹۰۷ میلادی

(علت ضعف اسلام)

راجع بشماره (۱۶)

(ماکان ربك لیهلك القرى بظلم واهلها مصلحون)
چرا مسلمانان ذلیل شدند؟ چرا دین اسلام ضعیف شد؟ کفار چرا غالب گردیدند؟ این پریشانی از کجا است و خرابی از چه راه است؟ باید حل این مسئله مشکل را از قران مجید پرستش نمود در آن آیه که فرموده (ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یتوبوا ما بانفسهم) معنی آیه چنان است که خداوند متعال هیچ قوم را از عرش عزت و رفعت بزیر نیارود و از آسمان استقلال و حریت بقهر چاه و بل بندگی و عبودیت نیفکند مگر بعد از آنکه از سنتهای الهی که بر اساس حکمت نهاده است انحراف جستند خداوند بر نمیدارد نعمتی را که بقومی عنایت فرموده مگر بعد از آنکه انقوم حالات خود را تغییر بدهند.

نعمت قدیم ما چه بود؟ یکی بزرگی و سیادت که تمام ملوک روی زمین از نام اجداد گرام مابر خود میرزیدند و در حضورشان نخاذه و فروتنی میکردند. دیگر امنیت و راحت، آزادی و حریت و رفعت کسی را بجانب ما قدرت دراز دستی نبود واحدی را جرات مقابلی و برابری با ما در خاطر نمیگذاشت، از روم و فرنگ اسیر میاوردهیم از حبشه غلام و کنیز می گرفتیم بتان هند را سرنگون میکردیم بتخانها را خراب مینمودیم علماء جلیل ~~بلا این مقتدر، عساکر جرار داشتیم~~ — دیگر صاحب ثروت و مکتب بودیم با جانب محتاج نبودیم لوازم زندگانی را خود فراهم داشتیم — يك كلمه جامعه همه اسباب کار را صحیح و تمام نعمتهای خداوندی را بر وجه

اکمل داشتیم.

لکن جعلگی از دستمان بدررفت و در عوض فقر و پریشانی ذلت و نکبت، احتیاج و مسکنت، بندگی و عبودیت در ما زیاد شد چرا که حالات خود را تغییر دادیم و از سنت خداوندی کناره بردیم اولاً عقل را که راه نمای سعادت و نجات است متابعت نکردیم و بزنگار جهل تیره ساختیم ثانیاً در اقوال صدق و راستی که لازمه دین اسلام است پیشه نکردیم دروغ و بهتان کذب و افتراء عادت و ملکه ما شد — سلامت نفس بدل بشرارت و خبالت گردید — اتحاد و همدستی را بنفاق و دورویی مبدل ساختیم مروت و انصاف را با بیزحمتی و ستم معاوضه نمودیم غیرت و حمیت رفت کسالت و بیحالی جایگزین شد عفت و حیا رفت بیشرمی و بیبصمتهی آمد نوع خواهی و ملت پرستی مبدل بیخلف و حسد اتفاق بنفاق اتحاد باختلاف رحم بقساوت تبدیل یافت — قبیحی نبود که مرتکب نشدیم فسادی نماند که بر پا نکردیم — فتنه نیافتیم که احداث ننمودیم گناهی نبود که مرتکب نشدیم منکری ندیدیم که اقدام نکردیم — مختصر مجموعه اخلاق رزیه منبع اعمال شنیده مرکز افعال قبیحه گشتیم از حق اعراض کرده طرفدار باطل شدیم.

عهدیکه با خدا نمودیم وفا نکردیم و معامله که با کردگار عالمیان نمودیم بر همزدیم پس در عوض بفضب الهی دو چار شدیم و باتش قهر آسمانی سوختیم خواهید فرمود چه معامله و چه عهد؟ همان معامله که خداوند در این آیه کریمه میفرماید (ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم) یعنی خداوند از مسلمانان خریده است جان و مال آنها را چطور خریده؟ باید در

راه کلمه الهی از جان عزیز صرف نظر و از مال دنیا اعراض کنند جان بدهند تا احکام الهی را جاری و مجری سازند مال و مال را بجهت ترویج کلمه الهیه دریغ و مضایقه نمایند یعنی دین اسلام را با خونها و مالهای خود ترویج کنند اگر امر دائر شد که سکتہ بر اسلام وارد شود یا جان مسلمانان البته باید جان بدهند و از دین دست نکشند.

از کلمات سخت نویسنده نباید برنجید یا حمل بر میالفه و خیالات شاعرانه کنید — اندکی در پیش خود نشسته و وجدانرا حاکم و قاضی قرار داده تفکر و تامل کنید و بحال مال و دول اسلامی نظر عبرتی بیفکنند تا صدق قول ما بر شما ظاهر شود — اولاً بطرف پادشاهان اسلامی متوجه شده می بینیم سلاطین اسلام بطرف یکدیگر جز بنظر عدوان و دشمنی نظر نمیکنند و از احوال انقراض سایر دول بند نمیگیرند که دوستی و مراودت؟ چه شد اتحاد و یکرنگی؟ این ملوک مسلمانان بحدی از هم دوری و نفرت میکنند که کوئی پدر کشته اند و مسالمت شان محال است چرا ایران بمراکش سفیر نمی فرستد چرا [مراکش بشمانی وزیر مختار روانه نمیکند؟ کو دوستی ایران و افغان؟ آخر اینهمه قهر لازم ندارد؟] اقتدر بی اعتنائی بهم واجب نیست. قسمت بزرگ این مسامحه و غفلت راجع بدول عثمانی است که امروز محل توجه تمام مسلمانان عالم است خیلی جای افسوس است که در این حالت که کشتی اسلامیان گرفتار نهنگها است دست از حالات سابقه بر نمیدارد بازاز گریبان ایران دست نمیکشد

اما ملت اسلامی یعنی ما مردم که دعوی مسلمانان میکنیم آیا هیچ در فکر برادران خود هستیم آیا از همسایه گرسنه یاد میکنیم آیا مصلحت مسلمانان را بر مصلحت خود مقدم میداریم آیا در دفاع از اسلام بذل جان و مال میکنیم؟ آیا شعائر دین را احترام مینمائیم آیا بیضه اسلام را محافظت میکنیم آیا در اعلاء کلمه الهی کوشش و بذل جهد مینمائیم؟ آیا بحیات دنیا پشت بازده ایم؟ اگر مؤمن هستیم علامت مؤمن باید در جبین ما هویدا باشد مگر نه مؤمن معتقد است که هر کس در راه خدا کشته شود زنده جاوید و در نزد کردگار جلیل است. مگر نه مؤمن نمیترسد مگر از خداوند؟ مگر نه مؤمن جان و مال را نثار اعلاء کلمه الهی میکند؟ مگر نه مؤمن اصلاح و صلاح را طالب است؟ بخدا قسم ایمان بقلب احدی وارد نمیشود مگر آنکه اول عملش گذشتن از جان و مال در راه خدا است بدون آنکه عذری بتراشد و داشتن زن و بچه را بهانه قرار دهد که این حرفها آثار نفاق است

وعلامت دوری از کردگار!

با اینکه تنزل و انحطاط باز هم عقیده ما آنستکه بزودی اسلام ترقی خواهد نمود و مقامات اولیه خود را نایل خواهد شد چرا که خداوند بر مسلمانان رؤوف است و مهربان چنانکه فرماید (والله ذو فضل علی المؤمنین) و امیدواریم که این انحراف و تنزل عارضی و موقتی باشد و بزودی رفع گردد بشرط آنکه علماء اعلام و پیشوایان اسلام قیام بوظائف واجبه خود کرده تکلیف خود را در نصیحت و خیرخواهی اداء نمایند و هرآینه اگر علماء این مسالک را پیش گیرند بزودی حق بلند خواهد شد و باطل سرنگون خواهد گردید و چنان نوری ساطع شود که چشمها را خیره سازد و اعمالی صادر گردد که عقول و افکار اهل عالم را متحیر نماید. این حرکتی که امروز از مسلمانان در اغلب اقطار عالم مشاهده میکنیم مارا بشارت میدهد که عن قریب کلمه اسلامیان باند گردد و خیر و سعادت از آسمان وزمین بطرفشان رو آورد. خود ما بحال عالمی که بایهت در میدان نهد و قدم در دایگی عالم کند و سردار این فوج گردد که شرف و افتخار اینکرا راجع باو خواهد بود (من ینبذ الله فهو الیه یتد و من ینضل فان تجده له ولیا مرشداً)

حبل المتین

مقاله فوق با مقدمه آن که در شماره شانزدهم درج کردیم خلاصه بیانات حکیم اعلم و فیلسوف اعظم جمال الدین الحسینی الافغانی است که در بیست سال قبل در روزنامه عروة الوثقی نوشته و بحمد الله اثر کلمات آن مرد بزرگ خیر خواه اسلام بعد از این مدت متعددی ظاهر گردید و مضمون حدیث خیر مشحون (اتقوا من فراسة المؤمن فانه ينظر بنور الله) واضح و ظاهر شد و اقدام علماء اعلام کثر الله امثالهم معلوم نمود که خداوند تا چه درجه تفضل در حق مسلمانان دارد و بهمان طور که آن فیلسوف فرموده حرکت مسلمانان ایران عقول تمام دانایان عالم را متحیر ساخت انچنان حرکتی که نظیرش تا کنون در جهان دیده نشده و اگر بوده باین سرعت نبوده و در عرض این مدت اندک نتیجه حاصل نشده — پس وای بر حال کسانی که خیالات خام نموده بتدابیر واهی و وساوس شیطانی در احیاء استبداد میکوشند و مات اسلام را ضعیف و ذلیل میخواهند (و قد حبل بینهم و بین ما یشتهون)

مکتوب شهری

خدمت مدیر جریده حبل المتین استدعای شود که این

مکتوب را مندرج فرمائید

دیشب دو ساعت از شب گذشته از بازارچه قوام الدوله واقع در محله دروازه قزوین می‌گذشتم دیدم دولفرست با لباس سربازی قداره برهنه بدست و بیکدیگر وحش میدهند و رجز می‌خوانند و از شجاعت خود دم میزنند و خیال مجروح ساختن همرا دارند بنده که از آن طرف عبور می‌کردم چند نفر را ترغیب و تشویق بجدا ساختن آنان کردم آن چند نفر که جلو رفتند دیدم یکمرتبهستان نهیبی داده و وحش و دشنام را آغاز کرده که شمارا چه بمنشوق ساختن ما ما هر دو سربازیم خود میدانیم سپس کسبه آنهارا از بازارچه خارج کرده و گفتند حال خود دانید و بعد معلوم نشد چه واقع شد

اکنون نگراننده عرض میکنم جلوه‌گیری این قسم شرار تنها با کیست ~~.....~~ کویلیس منظم؟
۱ کور بگوئیم اداره نظمی در تحت نظارت وزارت داخله است پس کمی مساعی و امیه جدیده ایشان بمرصه شهود خواهد رسید؟ بسیار خوب میگوئیم اینها سربازند با وزارت جنگ است پس کور انتظامات صحیحه در عمل نظام؟ آخر ای کسانیکه روی سخن با شماست اولاً می‌خواهیم ببینیم شما از کجا دارای ریاست و وزارت شدید از کجا بدین حشمت و جاه رسیدید از کجا پارك بنا کردید؟ ارث آباثنی داشتید؟ یا املاك اجدادی؟ مگر غیر ازین است که دسترنج این ملت بیچاره فلك زده را بروی هم انباشته اید؟ مگر غیر ازین است که از تصدق سرباز و سوار و توپچی دارای قصر نمروود و پارك شداد شدید؟ مگر غیر ازین است که جیره و مواجب سرباز و توپچی را بیست و پنج ماه نگاه داشته و وقتی هم که می‌خواهید بدهید اگر مواجب است از ده تومان پنج تومانش بخود و اجزاء تان بیش کس و رسوم و حق قلم و . . . داده میشود و اگر جیره است هرگاه جنس خرواری بیست تومان است می پنج تومان تسعیر کرده پس از هزار مرتبه عریضه قربان حضور مبارکت گردم ادا میشود؟ (اما پوشیده نباشد که در کتابچه می بیست تومان تسعیر میشود) می‌خواهم عرض بکنم شما بیش خود چه خیال می‌کنید ای ایاچه کلاهی برای اخذ مالیات می سازید ذ لایب خواهید گفت برای قشون و انتظام ممالک و غیره و غیره است بفرض اول پس کورچند فوج سرباز و سوار منظم و مرتب از میان صد و چند فوجی که پولش را هر ساله در کتابچه نظام قلمداد کرده و از دولت هم حواله می‌گیرید باسرتیب های هیجده ساله و امیرتومانهای بیست و پنج ساله کدام درد مملکت دوا خواهد شد امروز مسلم است هرگاه در ممالک هیجان و شورش فوق

العاده پیدا شود لایب اسکاتش مفوض بقوه جبریه یعنی نظام خواهد بود حال با کدام سوار مرتب؟ با کدام سرباز داخله که مواجبش بیست و دومه عقب نیفتاده و حیف و میل نشده باشد جلو گیری خواهید کرد؟ گذشته ازینها مقالات جراید داخله و خارجه که روی سخنشان باشما هاست محرك عرق غیرت شما نکشته و خون حمیت شما را بجوشش نیاورده یامی خوانید و برای خود حساب نمی‌کنید بشریف انسانیت و بحقیقت آزادی قسم است این ملت چندین سال در بستر غفلت غنوده تازه از خواب جهالت بر خواسته را دیگر نمیشود با دوی بیوشی سرش را ببالین غفلت نهاد گذشت آن زمانیکه هرگاه می‌گفتید روز تاریک است می‌گفتند بلی حضرت اقدس صحیح است آن رشته یاره شد و آن ریسمان کسبخته فکری باصلاح حال امروزه کنید که افلا پس امردن نام نیکی گذاشته باشید کاری بکنید که اعمال اخیرم تا از کفاره گناهان اولیه شود والا کار مشکل خواهد شد (امضا محفوظ)

ترجمه تا کرافات خارجه

پرنس فوشیمی باکالسه که به (کیلد هال) رفته لایحه تمهینت در انجا بوی تقدیم شد در کوجها مردم اجتماع کرده همه جا بیرق ژابن افرشته و بر (کیلد هال) هم بیرق انگلیس و ژابن نصب کرده بودند و چون پرنس فوشیمی داخل عمارت مزبور شد شاگردان مدرسه نظامی موزیک ژابنی نواختند و فوشیمی در جواب لایحه تبریک از این پذیرائی و کرمجوشی اظهار تفکر قلبی نمود سیراد وارد کری فوشیمی را ضیافت کرده و در وزارت خارجه انگلیس مهمانی شایانی ازو کردند سیراد وارد کری از وطن پرستی و هوشیاری ملت ژابن تمجید و ستایش نموده گفت علت تجدید اتفاق ژابن و انگلیس نه مزاحمت بحقوق دول دیگر بلکه استقرار صلح عمومی بود امیدوارم اینمطلب بر سایر دول که در شرق اقصی دارای منافعد معلوم شده باشد فوشیمی مشارالیه را تشکر نموده و ضمناً از دوستی که میان ملتین ژابن و انگلیس است شرحی بیان کرد

تیمس در مقاله مینویسد جنبش هند را باید نه بزرگ بشماریم نه خورد ولی نباید هم مثل شورشائیکه برای مقاصد بزرگ برپا میشود ملاحظه نمایند و مقاصد انجمن ملی با اساس سیاست ما در هند مابینت کلی دارد بلکه اسپانیول میخواهد طفلش را خود شیر دهد مردم را خیلی ازینمطلب خوش آمده

۲۸ ربیع الاول

یرلس فوهمی دیروز بعمارت وندسود رفت تاجی روی قبرو یکتور یا ملکه متوفای انکیس گذاشت و هام بمهمانی در منزل صدراعظم انکیس رفت و درانجا بارن سکومورا و سپراد واردگری حاضر بودند

۲۸ ربیع الاول

اوضاع مراکش موجب وحشت و اضطراب است اروپائیان برای حفظ خود قشون اردوک گرفته از شهر بیرون رفته اند

در پترسبورگ تلگرافی از طهران اهانت یافته که در بحرین طاعون شدت کرده و بواسطه تردد اهالی بحرین بیوشهر نیز سرایت نموده و چهار نفر در آنجا بدان مبتلا شده اند آتش فشانی کوه اتنا و ستر مبولی هدت سکرده و دهاتهای تازه باز میشود و مردم اطراف در کار فرارند مخبر روتر از طهران خبر میدهد که طایفه چادر نشینی که در تحت ریاست کنل روسی صاحب منصب قزاق بوده و باو سوار میداد پیلارلمان عارض شده و گفته اند مانباید زیر دست خا رجه باهم بنا بر این وزیر داخله قرار سابقرا برهم زده و ایشانرا از اداره قزاق مجزی کرده است سکراوندوک نیکلای روسیه خواهر ملکه ایتالیا را که مطلقه (دوک دولو چانبرک) بود ترویج نمود

دیروز ستر روزولت (رئیس جمهوری آنازونی) باز وجه محترمه اش در عمارت ویت هوز (عمارت مخصوصی رئیس جمهوری) برای احترام ژنرال کورکی و (دوک دابرسی) ضیافتی شایان دادند و این بهترین یزمی بود که تاکنون در عمارت مزبور چیده شده سبعد تقر از شور شیان روس که شش نفر از اعضای دوما نیز جزو ایشان میباشد برای انعقاد انجمن مخفی لندن آمده اند

غره ربیع الاخر

وزیر مالیه روس لایحه بدوما تقدیم کرده است که اجازه دهند ۴۶ میلیون منات (تقریباً چهل و شش کروور تومان برای وجه الخساره ژاین از زیات مخسارج محبوسین جنگ فرض نمایند

بواسطه کدورتیکه میان مسلمانان و هندوهای مشرق بتکاله در مسئله ترک اتمه اروپا پیدا شده اوضاع خیلی موجب تشویش است و رفت رفته کار شورش بالا گرفته و در کلکته و بتکاله باعث اضطراب گشته است

ژنرال سکوروکی از وانگدن بیرون آمده و بطرف نمایشگاه ژاستون رهسپار گشت

قصیده

شادزی ای مجلس شورای ملی جاودان

تاج جهان باشد تو باعی بر فرار اندر جهان

آفتاب عالم آرا خوانمت زیرا که تو

بر سر ملت فکندی سایه عدل و امان

رحمت پروردگار و فیض یزدانی مگر

کامدی عامل شدی یگساره بر پیرو جوان

شادزی ای مجلس ملی که میدانم ترا

بهرتر از بوذرجمهر و برتر از نوشیروان

عدل سکتردی بگیتی اینک و آراستی

روی گیتی را ز عدل و داد مانند چنان

دولت و ملت چو تار و بود پیوستی بهم

زینت افروزی براین و رونق افروزی بر آن

شادزی ای مجلس ملی که از تدبیر تو

کام حاصل گردد و خواطر خوش و دل شادمان

ملک ایران ز اهتمام و سعی تو چندی دیگر

آورد سکوی تمدن را بجم صولجان

دولت و ملت ترقی کرد خواهد بد ازین

چون هلالی کایندو بدری شود در آسمان

شادری ای مجلس ملی که این عزو شرف

یافتی از بخشش پروردگار منربان

هر سری را نویسی کردی آری چون بهار

آید از ره بشکند ناچار شاخ ارغوان

مفلس از فعل تو میگردد غنی چو تانکه سنک

میشود از تابش خورشید لعل و بهرمان

شادزی ای مجلس ملی که گردید استوار

از تو دین و دولت شاهنشاه روشن روان

سایه یزدان محمد خو علی سیرت که هست

از محمد وز علی او یادگار اندر جهان

بهجت قاجار باشد بنده سلطان یرست

از بی مدح و تنسای شاه بگشوده زبان

کوهری سقتم بجز حبل المتین گوهر شناس

کس نباشد به که این گوهر دهم بر او نشان

سوری لیرین و سنبل تا که در فصل بهار

بشکند از ساحت گلزار و باغ و بوستان

گنبد دولت همیشه خرم و بشکفته باد

شاحسار ملت ایمن باد ز آسیب خزان

« اعلان »

(کتاب حقوق ووظایف ملت) که بهبارتی ساده مختصری

ارحقوق فرد فرد ملت ووظایف نسبت بیکدیگر بیان مینماید

تازه ازطبع خارج شده در کتابخانه عرافت و تمدن جلدی

یکریال بفروش میرسد

حسن الحسین الکافانی

طهران در مطبعه « فاروس » بطبع رسید